

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن*

مجید معارف**

چکیده

رژی بلاشر، قرآن پژوه فرانسوی، معتقد به وجود تعدد قرائات در صدر اسلام است. از نظر وی اختلاف قرائات در بدو نزول قرآن یکی از وجوه اختلاف مصاحف گردید و همین موضوع به دلیل اختلاف زایی در جامعه، نهایتاً سبب ساز توحید مصاحف گشت. پس از یکسان سازی مصاحف، عواملی چون ضعف رسم الخط و اعمال ذوق قاریان به گونه ای جدید به ظهور اختلاف قرائات انجامید که خود پدیده گزینش قرائات هفتگانه توسط ابن مجاهد را به دنبال داشت. آرای رژی بلاشر گرچه حقایقی در مسأله اختلاف قرائات را منعکس می کند، به جهت آنکه اولاً ریشه اختلاف قرائات را به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازگردانده و ثانیاً به صورت یک جانبه بر عقاید و منقولات اهل سنت از جمله باور به نزول قرآن بر اساس حروف هفتگانه استوار شده است، قابل نقد جدی است.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلاف قرائات، مصاحف صحابه، رسم الخط عثمانی، احرف سبعه، قرائات هفتگانه، ابن مجاهد، رژی بلاشر.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

**. استاد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران maaref@ut.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع قرائات قرآن، اختلاف و تعدد آن از جمله مسائل مورد پژوهش در بین قرآن پژوهان است که عالمان مسلمان و محققان خاورشناس هرکدام به گونه‌ای در زمینه آن به تحقیق پرداخته‌اند. رژی بلاشر در مقدمه‌ای که بر ترجمه قرآن خود به زبان فرانسه نگاشته است، به سهم خود به مسئله اختلاف قرائات، علل و عوامل آن، ظهور قرائات برتر و معیار آن، علاقه‌مندی نشان داده و در این باره نظریه‌پردازی کرده است. شناخت معنا و مفهوم قرائات، عوامل اختلاف قرائات و طبقه‌بندی آنها در طول زمان، داوری در صحت و سقم دیدگاه بلاشر در تحلیل اختلاف قرائات، از جمله مسائلی است که این مقاله متکفل پرداختن به آن است.

۲. رژی بلاشر و مطالعات قرآنی او

رژی بلاشر از دانشمندان معاصر فرانسوی است که در خصوص قرآن مجید، ادبیات عرب و دیگر مباحث علوم اسلامی صاحب آثار متعدد است (نک: رامیار، ۱۳۶۲: ۲-۳؛ بدوی، ۱۳۷۷: ۱۳۲-۱۳۴؛ حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۰۸-۱۱۲). مهم‌ترین اثر او در خصوص قرآن، ترجمه کامل قرآن به زبان فرانسوی است. او نهایت تلاش خود را به کار برده تا ترجمه‌اش در حد اعتدال و کمال فصاحت باشد، از این‌رو، ترجمه او یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی شناخته شده است (رامیار، ۱۳۶۲: ۳). وی به عنوان مقدمه این ترجمه، تحقیقاتی در خصوص تاریخ قرآن و علوم قرآنی انجام داده که تبحر او در ورود به مباحث پیرامونی قرآن را نشان می‌دهد. [۱]

رژی بلاشر در مطالعات قرآنی خود علاوه بر مراجعه به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری مسلمانان، از آثار و افکار خاورشناسان قبل از خود، به ویژه تئودور نولدکه آلمانی، سود جسته است و کوشیده است به عنوان محقق منصف و بی‌طرف جلوه کند و از ابتدا به انگیزه زیر سؤال بردن قرآن و تخریب آثار اسلامی گام بر ندارد. به گفته برخی از محققان «در دیدگاه‌های بلاشر به هیچ وجه تند روی‌های امثال ویل، کازانوا و حتی گلدزیهر و ... دیده نمی‌شود؛ در نتیجه کتاب او خالی از حملات تند و بی‌رویه‌ای است که در جامعه اشتراق بود» (رامیار، ۱۳۷۸: ۵). بلاشر به این ترتیب در شمار خاورشناسانی قرار می‌گیرد که با انگیزه علمی به مطالعه اسلام، ادبیات عرب و قرآن پرداخته‌اند (نک: معارف، ۱۳۸۴:

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن^{۴۱} / ۴۱

۴۲). اما در عین حال تحقیقات بلاشر در زمینه قرآن در مقایسه با عقاید و تحلیل‌های مسمانان خالی از اشکال نیست؛ زیرا او با وجود تلاش جهت بی‌طرفی در مطالعات اسلامی، به شدت تحت تأثیر مخالفان شیعه است (رامیار، ۱۳۷۸: ۵). لذا در برداشت‌های قرآنی بلاشر خطاهای بزرگی وجود دارد که برخی به آن اشاره کرده‌اند (ر.ک: حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۱۲-۱۲۱). به دلیل این خطاها در برداشت‌های قرآنی بلاشر، برخی از قرآن پژوهان نسبت به حسن نیت و بی‌طرفی وی تردید کرده و او را در شمار خاورشناسانی معرفی نموده‌اند که با انگیزه دینی و تبشیری با اسلام مواجه شده است (زمانی، ۱۳۸۶: ۸۳). به نظر می‌رسد که داوری منصفانه را مرحوم رامیار انجام داده که نوشته است: «بلاشر از سهم عظیم شیعه در اسلام بی‌خبر مانده است؛ هرچند او یکی از استادان بنام در جهان غرب باشد و سعی در رعایت بی‌طرفی هم کرده باشد، به هر حال وی فردی غیر مسلمان و از کینه و حقیقت‌بیساری از مطالب به دور. به همین دلیل، هرچا لازم باشد نظرات او قابل نقد و تصحیح است» (رامیار، ۱۳۷۸: ۵ با اندکی تلخیص و تصرف). در این مقاله همان طور که اشاره شد. دیدگاه بلاشر در زمینه قرائات قرآن و اختلاف آن مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

۳. ارکان نظریه بلاشر در زمینه قرائات

نظریه بلاشر در زمینه قرائات شامل مباحثی چند است؛ از جمله:

۳-۱. مفهوم قرائت و خاستگاه تاریخی آن

بلاشر بدون کنکاش گسترده قرائت از نظر لغوی، آن را به طور غیر دقیق به معنای خواندن ترجمه کرده است. وی در عین حال قرائت، را در مفهوم دقیق‌تر، از برخوانی به یا بدون کمک یک متن مکتوب تلقی نموده و به این ترتیب، قاری را معادل حافظ دانسته است. به عقیده او در دو قرن اول اسلام، منظور از قاری مسلمانی بوده که می‌توانسته با امانت کامل و با صدای بلند و با تجوید کامل، آیاتی از قرآن را از حفظ بخواند (بلاشر، ۱۳۷۸: ۱۲۰-۱۲۲). از نظر بلاشر، علم قرائت پیشینه‌ای همزمان با نزول وحی دارد و قاریان صدر اسلام بدون هیچ دخل و تصرفی فقط آنچه را از دهان پیغمبر ﷺ شنیده بودند، نقل می‌کردند و این کار را با وفای اکمل به انجام می‌رساندند. هنگام تدوین مصحف در زمان ابوبکر، نقش آنها بهتر مشخص شد و زمانی بر اهمیت نقش آنها افزوده

گشت که قرائت‌های آنها به کتابت درآمد؛ گرچه این کتابت ناقص بود تا آنجا که نمی‌شد از آموزش شفاهی آنها چشم پوشید (همان، ۱۲۲-۱۲۳ با اندکی تلخیص).

۳-۲. اختلاف قرائت و مراحل آن

بلاشر اختلاف قرائت را امری واقعی دانسته و آن را در دو مرحله به شرح ذیل قابل بررسی می‌داند:

۳-۲-۱. اختلاف قرائت قرآن در دوره پیامبر اسلام ﷺ

از نظر رژی بلاشر پیشینه قرائت گوناگون قرآن به عصر پیامبر اسلام ﷺ می‌رسد. وی در مواردی از جمله در مسئله جمع قرآن در زمان پیامبر به این امر اشاره می‌کند. بلاشر یکی از دلایل دشواری جمع توسط پیامبر ﷺ را وجود تعدد قرائات در این دوره و احتراز رسول خدا ﷺ از برتری دادن یک قرائت بر قرائت‌های دیگر اعلام می‌کند (همان، ۴۳-۴۴). وی همچنین بر کثرت تعداد قاریان در عصر پیامبر ﷺ تأکید کرده و بر مرجعیت رسول خدا ﷺ در تعلیم قرائات قرآن به اصحاب خود صحنه می‌گذارد (همان، ۳۳). در نتیجه، از نظر بلاشر در همان دوران هم برای خواندن متن وحی شده صور مختلفی می‌توانسته وجود داشته باشد (همان). با توجه به این دیدگاه، بلاشر در چند موضع از کتاب خود به ماجرای اختلاف عمر و هشام بن حکم در قرائت سوره فرقان و داوری رسول خدا ﷺ در رفع اختلاف با تأیید قرائت‌های هر دو صحابه اشاره کرده است (ر.ک: همان، ۴۳-۴۵: متن و پاورقی). نتیجه‌ای که از این شواهد می‌توان گرفت آنکه قرائت قرآن در عصر پیامبر ﷺ امری کاملاً سماعی بوده و ریشه تعدد قرائات به عصر پیامبر ﷺ می‌رسد. بلاشر پیدایش علم قرائت را نیز نتیجه انتقال شفاهی قرائت‌های سماعی قاریان می‌داند که نهایتاً سند آنها به یکی از اصحاب شاخص می‌رسد. وی در این جهت، سند قرائت نافع مدنی را با توجه به شواهد تاریخی معین کرده است (همان، ۱۲۵-۱۲۶ با اندکی تلخیص). این قرائت از طریق ابن میمون (بنده آزاد شده ام سلمه) از ام سلمه و چند تن از تابعان از ابوهیره و ابن عباس به رسول خدا ﷺ می‌رسد (همان). [۲] نکته قابل ذکر در نظریه بلاشر آن است که وی به رغم تصریح به وجود تعدد قرائات در عصر پیامبر ﷺ سخنی در ماهیت‌شناسی اختلاف قرائات در این دوره ندارد.

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن *قرآنی* / ۴۳

۲-۲-۳. اختلاف قرائت قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ

بلاشر اختلاف قرائات در دوران صحابه را امری تاریخی می‌داند که خود یکی از وجوه اختلاف مصاحف را در این دوره تشکیل می‌دهد. وی این موضوع را در مواضع متعددی از کتاب خود مطرح می‌کند (ر.ک: ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲ و ۶۴)؛ هرچند معتقد است که «از مصاحف قدیمی جز چند اختلاف قرائت که روایات باز گفته‌اند، چیزی بر جای نمانده و همانها هم فاقد ارزش بسیار زیادی هستند» (همان، ۶۱). او همچنین تصریح می‌کند که «مصاحف صحابه در جزئیات و در قرائت‌ها خیلی متفاوت بوده‌اند؛ معذک امروز ما نمی‌دانیم که آیا قرائت‌هایی که بعدها به اُبیّ، علی علیه السلام و ابن مسعود و غیره نسبت داده شده، آیا مربوط به این عصر است یا نه. بسیاری از این قرائت‌ها به نخستین مصاحف می‌رسد. چنان که ظاهراً هنوز یکی از آنها برای ما قابل دسترسی است» (همان، ۶۸). وی سپس اختلاف قرائت سوره والعصر را در سه مصحف موجود، مصحف منسوب به علی علیه السلام و مصحف منسوب به ابن مسعود به شرح زیر مورد مقایسه قرار می‌دهد:

قرائت قرآن موجود: ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛

قرائت منسوب به ابن مسعود: «والعصر ان الانسان لفی خسر و انه لفیه الی آخر الدهر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواسوا بالحق و تواسوا بالصبر»؛
قرائت منسوب به علی علیه السلام: «والعصر و نواب الدهر ان الانسان لفی خسر و انه فیه الی آخر الدهر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواسوا بالحق و تواسوا بالصبر».

به عقیده بلاشر، یکی از علل اختلاف مصاحف صحابه، اختلاف قرائت موجود در این مصاحف بود که خود عامل بروز اختلاف در جامعه اسلامی گردید (همان، ۷۰). وی با آنکه تصریح می‌کند که «خیلی کم می‌توان احتمال داد که تغییر یک متن واحد معلول سستی و فتوری باشد که در نقل آن متن پیش آمده است، بلکه از همان آغاز باید چنین قرائتی وجود می‌داشت» (همان، ۶۹). وجود اختلاف قرائت در مصاحف صحابه را انگیزه اصلی یکسان‌سازی مصاحف در خلافت عثمان می‌داند؛ کاری که به عقیده بلاشر دیر یا زود می‌بایستی انجام شود و یک متن ثابت غیرقابل تغییر از قرآن به دست دهد (همان، ۷۰).

شایان یادآوری است که از مثالی که بلاشر در مقایسه سه مصحف ذکر کرده، معلوم می‌شود وی اختلاف قرائات در مصاحف صحابه را در حد اضافاتی می‌داند که در ذیل برخی از آیات در برخی از مصاحف نسبت به مصحف دیگر وجود داشته است.

۳-۳. علل عارضی تشدید اختلاف قرائات قرآن

بلاشر با آنکه قرائات را امری سماعی دانسته و ریشه اختلاف قرائات را به عصر پیامبر ﷺ می‌رساند و از این جهت تعدد قرائات را حاصل وضع طبیعی نزول قرآن می‌داند، از تأثیر عوامل دیگر تشدید اختلاف قرائات غافل نیست. این عوامل عبارت است از:

۳-۳-۱. عامل کتابت به معنای ضعف رسم الخط

بلاشر تأثیر رسم الخط ویژه قرآن در عصر پیامبر ﷺ و صحابه را به عنوان احتمالی در ظهور قرائات از نظر دور نداشته و در قسمتی از گزارش انتقال قرائات می‌نویسد: «هنگام تدوین مصحف در زمان ابوبکر نقش قاریان بهتر مشخص شده و بر اهمیت آنها افزوده گشت». قرائت‌های «آنها به کتابت آمد، ولی این کتابت بسیار ناقص بود؛ به قسمی که نمی‌شد از آموزش شفاهی آنها چشم پوشید» (همان، ۱۲۳). وی در جایی دیگر، نقش چنین رسم الخطی در پیدایش اختلاف قرائت را چنین عنوان می‌کند که «اگر قرائت‌ها تنها به حافظه سپرده شده بود آیا به صورت کنونی تا به حال حفظ شده بود؟ این خیلی قابل بحث است؛ زیرا خواهیم دید که به ندرت و بسیار کم اتفاق می‌افتد که اختلافاتی که ما می‌شناسیم، چنین تضادی را نشان بدهد. پس انسان به این فکر می‌افتد که اختلافات بسیار قدیمی، مقارن عصر اولیه به وسیله کتابت ایجاد شده است. البته چون چنین چیزی به نظر می‌رسد که تمام آثار این مصاحف امروز از بین رفته و دیگر از این مصاحف اثری باقی نمانده، بنابراین امکان ندارد که بتوانیم از فرضیه محتاطانه درباره کتابت این مصاحف چیز بیشتر بگوییم» (همان، ۶۹).

۳-۳-۲. مجاز شدن استفاده از کلمات مترادف در مقام خواندن قرآن

بلاشر در این خصوص بدون اشاره به بحث نزول قرآن بر پایه حروف هفتگانه و جز آن معتقد است که پس از تثبیت مصاحف عثمانی در جامعه اسلامی به تدریج برخی متمایل به استفاده از کلمات مترادف قرآن در مقام خواندن قرآن شدند و گویا آنها معتقد به نظریه

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن *قرآنی / ۴۵*

«القراءة بالمعنی» بودند؛ به این صورت که «برای پاره‌ای از مؤمنان به واقع این کلمات (کلام) قرآن نبوده که اهمیت داشت، بلکه مهم توجه به روح آن و معنای آن بود. از آن وقت به بعد، اگر کلماتی مترادف بودندو اختلاف دیگری نداشتند، انتخاب آن یکسان و مساوی می‌نمود. بنابر این نظریه از حفظ خواندن بر حسب معنی (القراءة بالمعنی) در حقیقت بسیار خطرناک بود؛ زیرا رواج قرآن را به میل و هوس افراد واگذار می‌کرد؛ چنین روشی اگر بدعت شمرده نمی‌شد، موجب استحکام موقعیت مصاحف متشتت می‌گردید (همان، ۸۸).

وی در همین بحث ورود عناصر غیر عرب در جامعه اسلامی را نیز بی ارتباط با تشدید اختلاف قرائات نمی‌داند (همان).

۳-۳-۳. اعمال ذوق قاریان و دخالت رای در امر قرائات

بلاشر تأثیر ذوق و سلیقه را در گسترش قرائات به رسمیت شناخته و معتقد است: «از اواخر قرن نخست هجری کار قاریان جنبه تخصصی پیدا کرده و آنان قرائت را منبع عادی کار خود می‌سازند. اخلاق از این رهگذر است که آسیب می‌بیند. در آغاز قرن سوم شهرت آنها چرکین می‌شود. کم کم می‌رسد آن روزی که اینان به عنوان اشخاصی جاهل، حریص و فاسق معرفی شوند. این فساد مستلزم اصلاحی است و این کار در پایان همان قرن به انجام رسید» (همان، ۱۲۴).

بلاشر در پاسخ به چرایی رخنه چنین فساد در بین قاریان و در نهایت، احساس ضرورت اصلاح در نظام قرائات معتقد است: «عده‌ای در تدوین علم قرائت مبتنی بر روایت مراقبت و سواس گرانه‌ای داشتند. در اینجا جریانی محافظه کارانه و بسیار عمیق و مقتدر وجود دارد که در ادامه شریعت اسلامی سرانجام با قبولی عام به پیروزی می‌رسد. اما باید گفت: پیشرفت قرائت با عوامل دیگری برخورد می‌کند که در اساس جنبه نوآوری بیشتری دارند. در این مسیر، پیش از هر چیز نقش اساسی مربوط به مطالعات زبان شناسی از نظر صرف و نحو و علم اللغة است. اگر در حقیقت، همان طور که بارها دیده‌ایم، تفسیر و علم قرائت اساس صرف و نحو باشد، به عکس این علوم نیز به نوبه خود در تثبیت و از برخواندن قرآن متقابلاً اثر می‌گذارد؛ لذا از همان اوائل در بصره فعالیت قاری با تلاش نحوی و لغوی با هم اشتباه می‌شد» (همان، ۱۲۷).

در اینجا بلاشر از پیدایش نظام ویژه‌ای به عنوان «نظام قرائت عقلی» یاد می‌کند که می‌تواند علیه تسلط شدید قرائت روایی به ستیزه برخیزد. اما نظام عقلی قرائت، خود، متأثر از عوامل گوناگونی است که به نوبه خود نیازمند بررسی است، لکن «بیان درجه تأثیر این عوامل مختلف کاری است مشکل. چنین به نظر می‌رسد که همه این عوامل مقارن اواسط قرن دوم در یک زمان پیش آمده باشند و در این صورت چند اصل به دست می‌آید. یکی اینکه تکرر قاریان، مقبول قرار می‌گیرد و روایات نیز این تعدد را بازگو می‌کنند. دیگر اینکه یکصد و پنجاه سال پس از رحلت پیامبر ﷺ، قرائت‌ها به حدی تنوع یافته و زیاد شده که از میان این توده در هم، شناخت قرائت‌های معاصر پیامبر ﷺ سخت مشکل است» (همان، ۱۲۹).

۳-۴. بلاشر و ظهور قرائت‌های هفتگانه

بلاشر ظهور قرائت‌های هفتگانه را نتیجه نظامی می‌داند که در قرن سوم هجری و در راستای اصلاح قرائات به وجود آمد. این نظام موفق شد که به هرج و مرج موجود در بازار قرائات خاتمه بخشد. مبتکر این کار ابوبکر موسی بن مجاهد شیخ القراء عصر خود بود. اما معیار او در انتخاب قرائات هفتگانه چه بود؟ بلاشر نخست از تقسیم‌بندی قرائات در آن دوران به سه نوع متواتر، صحیح و شاذ یاد می‌کند. سپس یادآور می‌شود که تعیین قرائت‌های قانونی با توجه به دو اصل تصویب اجماع و موافقت با مصحف صورت پذیرفت (همان، ۱۳۵). او تصریح می‌کند که «پس از تردید و دودلی بسیار، دسته‌ای از قرائت‌ها با معیارهای ذکر شده انتخاب شده و بقیه به عنوان استثناء طرد شدند» (همان).

اما چه شد که ابن مجاهد تنها به انتخاب هفت قرائت مبادرت ورزید و سایر قرائت‌ها را کنار گذاشت؟ پاسخ بلاشر چنین است: «در حدود اواسط قرن سوم جریانی بسیار قوی مشاهده می‌شود که سعی دارد تنها هفت قاری را نماینده قرائات قرآنی بشناساند. این فکر با روایات نیز پشتیبانی می‌شود. بنا به دو خبر که می‌گویند به ابن عباس و خلیفه عمر می‌رسد، محمد ﷺ شخصاً تأیید کرده است که قرآن به «هفت حرف» نازل شده است. این کلمه «احرف جمع حرف» معمایی شده و در حدود چهل تفسیر در این باره پیش آمده است. چنین به نظر می‌رسد که در اینجا معنای «احرف» همان قرائت باشد. غالباً این کلمه قریب به معنای قرائت به کار رفته و با یک اختلاف کوچکی همان معنای را می‌دهد. اما

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن قرائت‌پژوی / ۴۷

درباره عدد هفت، علاوه بر اثر جادویی که این عدد بر سامی‌ها دارد و در اینجا هم صدق می‌کند، در این اصطلاح چیزی به جز یک معنای نامعین نمی‌تواند داشته باشد یعنی «مقدار زیادی» (همان، ۱۴۴).

بلاشر بدون آنکه به رابطه تعیین هفت قرائت (که در آن عدد هفت حقیقی در نظر گرفته شده) و احرف (که در آن عدد هفت مجازی تعیین کثرت فرض شده) توجه کند، به مشکلات ناشی از این تحدید اشاره کرده، می‌نویسد: «گفتگویی نیست که در آن عصر بعضی از مسلمانان احساس نکردند که حصر در این رقم «هفت»، تا چه اندازه محدودیتی‌هایی به وجود می‌آورد و موجب می‌شود که قاریان معتبر بدون معارضی از آن دایره خارج شوند. چرا هفت قاری و نه بیشتر؟ البته صورت‌های دهگانه و چهارده گانه قاریان هم بعداً داده شد. ولی این کار فقط عکس العمل همان تحدید در هفت بود.

در صورت قاریان دهگانه، قرائت مستقر و با ثبات می‌گردد. در حقیقت بالا بردن نام خلف از ردیف ناقلان و راویان حمزه، به مقام ریاست مکتب مستقل قرائتی از قاریان دهگانه، کاری ناهنجار نبوده و همچنین که شناسایی ابوجعفر به نام استادی که شاگردانی چون نافع و ابوعمر بن العلاء در مدینه داشت، کاری جسارت آمیز نبوده است. معذک گویا مقاومت در برابر آن بسیار طولانی بوده و شاید هیچگاه طرفداران قرائات دهگانه پیروزی قطعی خود را احساس نکرده‌اند. در اوایل قرن نهم ابن جزری لازم تشخیص می‌دهد که قانونی بودن روش ابوجعفر را اعلام دارد» (همان، ۱۴۴-۱۴۵).

۴. نقد و بررسی آراء بلاشر در باره اختلاف قرائات قرآن

مسئله قرائات قرآن و اختلافات آن از جمله دستاویزهای خاورشناسان است که به موجب آن در اصالت قرآن کریم و وحدت نص آن شبهاتی وارد می‌کنند (ر.ک: بیلی، ۱۴۰۴: ۹۰-۱۰۵ با عنوان «مواقف المستشرقین من القرائات»؛ گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۳۰-۷۴). مواضع ژری بلاشر در موضوع قرائات گرچه به شبهه افکنی امثال گلدزیهر نمی‌رسد [۳] (ر.ک: بیلی، ۱۴۰۴: ۹۳-۱۰۱)، اما در جای خود خالی از القای شبهاتی نسبت به قرآن نیست. در این خصوص داوری عملی بدین صورت است:

آرای رژی بلاشر درباره ظهور قرائات متعدد برای قرآن در قرون اولیه حقایق ارزشمندی به دست می‌دهد، خصوصاً آنچه او در زمینه علل اختلاف قرائات پس از رحلت

پیامبر ﷺ بیان کرده و به دنبال آن گسترش اختلاف قرائات تا ظهور ابن مجاهد را به بحث گذاشته، در مجموع از صحت تاریخی برخوردار است. با این وجود، دیدگاه بلاشر در زمینه قرائات از جهاتی نیز محتاج نقد جدی است که اهم آن موارد ذیل است:

۴-۱. ریشه‌یابی اختلاف قرائات در عصر پیامبر ﷺ

بلاشر معتقد است که ریشه اختلاف قرائات به عصر پیامبر ﷺ می‌رسد و آن حضرت در حیات خود قرائت‌های هر یک از صحابه را به رغم اختلاف با قرائت صحابه دیگر تأیید و تصویب می‌نمود و یا از ثبت قرائتی بدون ترجیح بر قرائت دیگر خودداری می‌فرمود. چنان که روشن است این نظر همان عقیده مشهور اهل سنت است که معتقد به نزول قرآن بر پایه «احرف سبعة» بوده و رسول خدا ﷺ را مصوّب قرائات دانسته‌اند. در این جهت، اثر پذیری بلاشر از روایات اهل سنت کاملاً مشهور است، اما صحت عقیده یاد شده مستلزم اثبات دو مطلب زیر است:

الف) نزول قطعی قرآن بر پایه حروف هفتگانه و ب) برابر دانستن احرف سبعة با قرائات هفتگانه.

اما مراجعه به آرای دانشمندان علوم قرآنی، به ویژه محققان معاصر شیعه، نشان می‌دهد که هیچ یک از دو مطلب یاد شده مسلم نیست؛ زیرا در خصوص نزول قرآن بر پایه حروف هفتگانه، این موضوع هم معارض با روایاتی است که بر نزول قرآن بر مبنای حروف واحد تأکید می‌کند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۲، ۶۳۰ [۴] و هم غیر قابل توجیه با اقداماتی است که در قضیه جمع قرآن به عثمان نسبت می‌دهند مبنی بر آنکه در زمان این خلیفه به دلیل گسترش اختلاف مصاحف صحابه و اختلاف قرائات قرآن وی دستور به توحید مصاحف و جمع قرآن بر مبنای قرائت واحدی داد. و به گفته ابن جزری «جمهور دانشمندان از قدیم تا جدید بر این عقیده‌اند که مصاحف عثمانی تنها بر اساس حرفی از حروف هفتگانه نوشته شده و این حرف منطبق با آخرین عرضه قرآن از ناحیه رسول خدا ﷺ بر جبرئیل است» (ابن جزری، بی‌تا: ۱، ۱۳؛ ر.ک: سیوطی، ۱۳۶۳: ۱، ۱۷۷).

در مورد برابر دانستن احرف سبعة با قرائات هفتگانه باید گفت: اولاً به گفته دانشمندان اهل سنت در تفسیر ماهیت احرف سبعة بین علما اختلاف نظر وجود دارد و در این خصوص - چنانکه خود بلاشر هم اشاره کرده است - تا چهل احتمال وارد شده که هیچ

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن *قرآنی* / ۴۹

کدام قطعی نیست (ر.ک: زرکشی، ۱۳۹۱: ۱، ۲۱۳؛ سیوطی، ۱۳۶۳: ۱، ۱۶۴-۱۷۶؛ مؤدب، ۱۳۸۶: ۱۴۷؛ ابهام و تحیر در معنای سبعة احرف نزد دانشمندان اهل سنت). ثانیاً با توجه به عدم روشن بودن ماهیت حروف هفتگانه برابر دانستن آن با قرائات هفتگانه، تسامح فاحشی است که بزرگان شیعه و سنی از آن پرده برداشته‌اند. به گفته آیت الله معرفت بسیاری از دانشمندان محقق و منتقد مانند ابن الجوزی، ابوشامه، زرکشی، ابو محمد مکی، ابن تیمیه و نظایر اینان این شایعه را رد کرده‌اند. ابن الجوزی این توهم را به مردم جاهل و عوام که از هرگونه دانش تهی هستند، نسبت داده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۸: ۲۱۴-۲۱۶). محققان شیعه نیز برابری احرف سبعة با قرائات هفتگانه را توهمی دانسته‌اند که پس از اقدام ابن مجاهد در گزینش هفت قرائت برای برخی به وقوع پیوست و برخی از این جهت انتقاداتی را هم متوجه ابن مجاهد کردند که چرا با انتخاب هفت قرائت به پیدایش این توهم کمک کرده است (ر.ک: خویی، ۱۴۰۸: ۱۷۷-۱۷۸؛ عسکری، ۱۴۱۵: ۲، ۱۲۱-۱۳۵؛ معارف، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۴؛ واکنش‌های مختلف در مقابل اقدام ابن مجاهد).

۴-۲. رابطه اختلاف قرائات با اختلاف مصاحف صحابه

بلاشر اختلاف قرائات را یکی از وجوه تمایز مصاحف صحابه دانسته و اعلام می‌کند که مصاحف صحابه در جزئیات و به ویژه در قرائت‌ها با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. او ریشه این عقیده را در روایات به جا مانده درباره مصاحف مختلف می‌داند و در عین حال تأکید می‌کند که معلوم نیست که این روایات تا چه حد از صحت و ارزش تاریخی برخوردارند (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۸: ۶۷-۶۸). سؤال مطرح آن است که وقتی صحت این روایات حتی از نظر بلاشر امری مشکوک است، وی چگونه نسبت به وجود مصاحف مختلف و اختلافات آنها در زمینه قرائات قضاوت و داوری کرده است؟ قابل ذکر است که از نظر محققان اهل سنت اصل وجود مصاحف صحابه و اختلافات آنها در سه زمینه تعداد سوره‌ها، ترتیب سوره‌ها و اختلاف لهجه‌ها و قرائت و زوائد تفسیری قابل انکار نیست؛ به همین جهت، آنان در گذشته‌های دور کتاب‌هایی موسوم به «المصاحف» یا «اختلاف المصاحف» تألیف کرده‌اند که از بین این آثار جز کتاب المصاحف ابوبکر بن ابی داود سجستانی اثری باقی نمانده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۲، ۲۰۶۴).

برخی از قرآن پژوهان معاصر نیز با تکیه بر اخبار پراکنده تاریخی به بررسی وجوه اختلاف مصاحف برخی از صحابه از جمله عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، علی (علیه السلام) و... پرداخته‌اند (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۲: ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۵۸، ۳۴۸، ۲۷۲ و ۳۸۰). مراجعه به کتاب المصاحف ابن ابی داود به عنوان سند باقی مانده، از وجود مصاحف صحابه و اختلافات آنها حکایت می‌کند. همچنین اخبار حاکی از اختلاف مصاحف صحابه نشان می‌دهد که در این آثار، روایات تاریخی غالباً به صورت مرسل وارد شده و در عین حال اختلافات شدیدی با یکدیگر دارند؛ به طوری که با تکیه بر این اخبار نمی‌توان نسبت به وجود واقعیتهای به نام مصاحف صحابه و اختلافات آنها بزرگ‌نمایی کرد و بلکه نباید از نیت سوء خاورشناسانی مانند گلدزیهر در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی یا آرتور جفری در تصحیح المصاحف ابن ابی داود غافل گردید (عسکری، ۱۴۱۵: ۲، ۷۴۴-۷۴۵).

اهمیت بحث وقتی نمایان می‌شود که حساسیت و دقت مسلمانان را در جلوگیری از کم و زیاد شدن آیات قرآن در نظر گیریم؛ لذا نمی‌توان به راحتی اختلاف عبارات قرآنی در حد کم و زیاد شدن قطعه‌هایی از سوره عصر را به مصاحف صحابه نسبت داد مگر آن که آن را از باب زوائد تفسیری بدانیم که در مصحفی به ثبت رسیده باشد. در کتاب مقدمتان فی علوم القرآن نمونه‌ای از حساسیت‌های مسلمانان اولیه به این گونه ثبت شده است: از محمد بن کعب قرظی روایت شده که او گفت: من مصاحف سه‌گانه را دیدم. مصحفی که قرائت ابن مسعود در آن بود و مصحفی که قرائت ابی بن کعب را نشان می‌داد و مصحفی که بر اساس قرائت زید بود. در این سه مصحف چیزی که خلاف بعضی نسبت به بعضی دیگر از آیات را نشان دهد، نیافتم (صاحب المبانی، ۱۹۵۴: ۴). نویسندگان المبانی سپس نتیجه می‌گیرند که این استدلال روشنی است به صحت ادعای ما در عدم اختلاف مصاحف با یکدیگر و بطلان دعاوی مخالفان و معاندان ما (همان). اضافه بر سند تاریخی یاد شده موضوعی که بلاشر و سایر خاورشناسان درباره آن به تحقیق پرداخته‌اند، رواج آموزش و قرائت قرآن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در نتیجه برخوردار شدن قرآن از نقل تواتری در بین مسلمانان است (ر.ک: معارف، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، فصل هفتم: آموزش قرآن در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)).

۳-۴. اختلاف قرائات و جواز استفاده از کلمات مترادف

عبدالصبور شاهین در نقد این موضوع که برخی از مسلمانان پس از تثبیت مصاحف عثمانی به هنگام قرائت قرآن از کلمات مترادف استفاده می‌کردند، می‌نویسد: «خطرناک‌ترین سخن در مورد قرآن آن است که بلاشر می‌گوید: مسلمانان مجاز بودند قرآن را با قرائت به معنا بخوانند و نه حروف و نصوص آن را ... در واقع اباحه قرائت حرفی به جای حرفی دیگر (قرائت به معنا) رخصتی موقت در عهد پیامبر ﷺ به جهت تیسیر و تسهیل بود آن هم بر اساس قرائتی که فرد آموخته بود. این زمینه‌ها در زمان عثمان به پایان رسید» (شاهین، ۱۹۶۶: ۸۵).

اما به گفته یکی از محققان، عبدالصبور شاهین در پاسخ به سخن بلاشر اشاره به رخصت پیامبر ﷺ می‌نماید، اما معلوم نیست او با چه استنادی چنین رخصتی را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد. آیا معنای این رخصت ادعای چیزی غیر از عدم ثبوت نص قرآنی است؟ گرچه در مقطع کوتاهی باشد؟ اساساً اگر چنین رخصتی که وجود آن مجهول است، از طرف دانشمندان مسلمان بیان نمی‌شد، مستشرقان هرگز به خود اجازه نمی‌دادند که بر اساس آن، نص قرآن را ناپایدار اعلام کنند» (مؤدب، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

۴-۴. ارتباط اختلاف قرائات با نفوذ رأی و قیاس

آنچه بلاشر در خصوص نفوذ رأی و قیاس یا تأثیر علوم ادبی در پیدایش و گسترش قرائت آورده است، مطلب صحیحی است و برخی از دانشمندان اسلامی نیز بر آن تأکید کرده‌اند (ر.ک: عسکری، ۱۴۱۵: ۲، ۲۶۳؛ معرفت، ۱۳۹۷: ۲، ۳۱).

وی ضمن اذعان به حضور و فعالیت قاریان و روش آنها در انتقال سماعتی قرائات و نیز تلاش در وفاداری به نظام سنتی، در عین حال به بحث از پیدایش مکاتب فقهی و کلامی در قرن دوم و سوم پرداخته و از نظامی تحت عنوان نظام قرائت عقلی در مقابل نظام قرائت روایی یاد می‌کند و بازتاب آن را در تفاسیر قرآن مورد بحث قرار می‌دهد؛ به این صورت که «تفسیر به مفهوم اسلامی کلمه، تا وقتی که تحت نفوذ الهیون (معتزلیها) واقع نشده، کاملاً جنبه سنتی (روایی) خود را حفظ می‌کند. ولی از آن به بعد دیگر تفسیر نمی‌تواند فقط با اخبار قدما اقناع شود: به همین جهت، وی در جستجوی مستندات دیگری می‌گردد که بیشتر با موازین عقلی تطبیق کند. یک رافضی، یک عالم الهی (کلامی) و یا

یک فقیه‌ای که بیش از هر چیز شیفته منطق شده، سعی می‌کند که از میان تعبیر مختلفی که از یک کلمه بدون نقطه و علامت (اعراب و اعجام) می‌تواند به دست آید، آن را استنباط نماید که بیشتر موافق عقیده‌اش هست. بدین ترتیب نظام قرائت عقلی محض به وجود می‌آید که می‌تواند (غالباً به طور مفیدی) علیه تسلط شدید قرائت روایی به ستیزه برخیزد» [۵] (همان، ۱۲۸-۱۲۹؛ برای آگاهی بیشتر از نفوذ رأی و اجتهاد در گسترش قرائات، ر.ک: معارف، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، ۲۰۶: اختلاف قرائت پس از اصلاح رسم الخط قرآن).

۴-۴-۱. دسته‌بندی روایات از نظر بلاشر

تقسیم‌بندی قرائات به سه نوع متواتر، صحیح و شاذ از سوی بلاشر - که وی آن را به پیشوایان قرائات نسبت می‌دهد - تقسیم‌بندی جامع و مانعی نیست، به طوری که محمود رامیار نیز تذکر داده است قرائات بر شش قسم تقسیم شده است که عبارت‌اند از: متواتر، مشهور، آحاد، شاذ، موضوع و شبیه «مدرج» (ر.ک: رامیار، ۱۳۷۸: ۱۳۵ هاشم؛ فضلی، بی‌تا: ۸۱-۸۶). شایان یادآوری است که برای قبول هر قرائتی سه قاعده و ضابطه مورد توجه قاریان وجود دارد.

الف) موافقت با رسم الخط مصحف عثمانی؛

ب) سازگاری با اصول زبان عربی؛

ج) برخورداری از سند صحیح (ابن جزری، بی‌تا: ۱، ۴۳؛ نیز نک رامیار، ۱۳۷۸: ۱۳۴ هاشم).

بنابراین آنچه بلاشر به عنوان معیارهای دوگانه قانونی بودن قرائات (تصویب اجماع و موافقت با مصحف) اعلام کرده، معیارهای لازم از سوی ابن مجاهد است و نه کافی.

۴-۴-۲. معیار اختیارقرائی از نظر بلاشر

اما پشتوانه اصلی قرائات هفتگانه چه بود؟ و چرا در بین این قرائات، برخی مانند قرائت عاصم یا قرائت نافع شاخص شدند؟ بلاشر اختیار هریک از قاریان را تابعی از اجماع علما یا قاریان دیگر تفسیر می‌کند. او پس از نقل سخنانی از نافع مدنی که «من قرائت را نزد هفتاد تن از تابعین آموخته‌ام» یا «هر قرائتی که دو نفر (استاد) بر آن توافق داشته‌اند، ضبط کرده‌ام و هر قرائتی را که یکی از ایشان ترک می‌کرد من و می‌گذاشتم» می‌نویسد:

بررسی دیدگاه رژی بلاشر درباره قرائات قرآن / قرآنی / ۵۳

«در نتیجه چنین روشی، بسیاری از قرائت‌های قابل بحث، سندیت می‌یابد؛ بنابراین، سعی شده که «اجماع علما» را با پوشاندن در کسوت اجازه استادان نخستین (صحابه) معتبر شمرده و قبولاند» (بلاشر، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

بلاشر خود به متزلزل بودن این معیار واقف است؛ لذا در جای دیگر تصریح می‌کند که «خیلی زود احساس می‌شود که این تسامح خطر بزرگی را در برخواهد داشت؛ مثلاً در برخی از موارد اجماع در برابر قیاس قرار می‌گیرد» (بلاشر، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

نقد وارد بر این قسمت از نظرات بلاشر آن است که وی هرگز مفهومی با عنوان قرائت متواتر از قرآن را - در درون یا بیرون قرائات هفتگانه - مورد توجه قرار نداده و از این جهت در خصوص برتری پاره‌ای از قرائات هفتگانه بر پایه‌ای دیگر - مانند قرائت‌های نافع مدنی و عاصم کوفی - تحلیل روشنی ندارد (ر.ک: معارف، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

۵. نتیجه

۱-۵. اختلاف قرائت در دیدگاه بلاشر بر دو نوع اختلاف قرائات طبیعی و اختلاف قرائات عارضی قابل تقسیم است: نوع اول بر پایه نزول قرآن بر اساس حروف هفتگانه ریشه در عصر پیامبر ﷺ داشته و نوع دیگر به دلیل ضعف رسم الخط قرآن و دخالت عوامل رأی و اجتهاد پس از یکسان‌سازی مصاحف بر قرآن عارض گردید.

۲-۵. عقیده بلاشر در نسبت دادن اختلاف قرائت قرآن به عصر پیامبر ﷺ قابل نقد است. نظر او در خصوص اختلاف مصاحف صحابه از منظر اختلاف قرائات دارای بزرگ‌نمایی و اغراق است، اما برداشتش در خصوص گسترش اختلاف قرائات با عواملی چون ضعف رسم الخط قرآن و اعمال ذوق قاریان پذیرفتنی است.

۳-۵. ریشه نقدهای وارده بر دیدگاه رژی بلاشر مراجعه یک سویه او به منابع اهل سنت و دیدگاه‌های خاورشناسان قبل از خود و عدم توجه به منابع و دیدگاه‌های شیعی است.

پی‌نوشت‌ها:

[۱] قابل ذکر است که بلاشر دارای کتابی موسوم به «درآمدی بر تاریخ قرآن» است. این کتاب مشتمل بر مباحث علوم قرآنی است و آقای دکتر اسدالله مبشری آن را به فارسی ترجمه کرده است که یکی از آثار قرآنی بلاشر است و کتاب در آستانه قرآن که به عنوان مقدمه ترجمه قرآن وی است. ابتدا همراه با ترجمه قرآن بوده و سپس با تجدید نظر

اساسی به صورت اثر مستقلى درآمده و در سال ۱۹۵۸م به چاپ رسيد. اين كتاب به وسيله آقاى دكتر محمود راميار به فارسى ترجمه شده است.

[۲] مرحوم دكتر راميار جهت قرائت نافع سند ديگرى را از طريق ابى بن كعب، ابوهريره، ابن عباس، عبدالله بن عياش بن ابى ربيعه و آنها از يزيد بن قعقاع، عبدالرحمان بن هرمز و ... نقل کرده است. نك. همو، ۱۲۶ پاورقى.

[۳] در خصوص آراء گلدزبهر پيرامون اختلاف قرائات و نقد آن، ر.ك: معارف، مقاله «بررسى آراء گلدزبهر پيرامون اختلاف قرائات قرآن كريم».

[۴] يکى از اين روايات چنين است: «فضيل بن يسار گويد: به امام ابو عبدالله صادق عليه السلام گفتم: مدم گویند که قرآن بر اساس هفت حرف نازل شده است، امام فرمودند: دشمنان خدا دروغ گفته‌اند، قرآن واحد است و از جانب خداى بزرگ نازل شده است.» (کلىنى، ۱۳۶۳: ۲، ۶۳۰).

[۵] در سخن بلاشر تعبير رافضى وارد شده است که معلوم نيست مقصود او چه كسانى هستند. قدر مسلم وى در به كارگيرى اين تعبير از اهل سنت پيروي کرده و حقيقتاً به غرض و شرايط آنان در به كارگيرى اين تعبير آگاه نبوده است.

منابع

۱. ابن ابی داوود، عبدالله (۱۴۰۵ق)، المصاحف، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. ابن جزری، محمد (بی تا)، النشر فی القرائات العشر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. آلوسی، سید محمود (۱۴۰۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن و...، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم.
۴. بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۷ش)، دائرة المعارف قرآن مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، بی جا، روزنه.
۵. بلاشر، رژی (۱۳۷۸ش)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.
۶. بیللی، احمد (۱۴۰۴ق)، الاختلاف بین القرائات، بیروت، دار الجیل.
۷. حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵ش)، نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپخش.
۸. خرماهی، بهاءالدین (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، ناهید.
۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۸ق)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت دارالزهرا.
۱۰. رامیار، محمود (۱۳۶۲ش)، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر.
۱۱. رامیار، محمود (۱۳۷۸ش)، مقدمه بر کتاب در آستانه قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۹۱ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیرون، دارالمعرفه، چاپ دوم.
۱۳. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۵ش)، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب.
۱۴. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۶ش)، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۱۵. سیوطی جلال الدین (۱۳۶۳ش)، الاتقان فی علوم القرآن، قم، منشورات رضی، بیدار.
۱۶. شاهین، عبدالصبور (۱۹۶۶م)، تاریخ القرآن، بیروت، دار القلم.
۱۷. شوکانی، محمد بن علی (بی تا)، فتح القدر، بیروت، دارالمعرفه.
۱۸. صاحب المبانی و ابن عطیه (۱۹۵۴م)، مقدمتان فی علوم القرآن، تصحیح آرتور جفری، مصر، مکتبه الخانجی.

۵۶ / قرآنی پژوهی سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۰. عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۵ق)، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، المجمع العلمی الاسلامی.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۳ق)، مفاتیح الغیب، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. فضلی، عبدالهادی (بی تا)، مقدمه ای بر تاریخ قرائت قرآن کریم، ترجمه دکتر سید محمدباقر حجتی، بی جا، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳ش)، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سید ناصر طباطبایی، بی جا، ققنوس.
۲۵. معارف، مجید (۱۳۸۳ش)، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، انتشارات نبأ.
۲۶. معارف، مجید (۱۳۸۴ش)، درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن، پژوهش دینی، ش ۹.
۲۷. معارف، مجید و فاخره فراهانی (۱۳۹۲ش)، بررسی آراء گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم، فصلنامه قرآن قرآن و مستشرقان، ش ۱۴.
۲۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۸ش)، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۹۷ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مطبعه مهر.
۳۰. مؤدب، سید رضا (۱۳۸۶ش)، نزول قرآن و رویای هفت حرف، قم، بوستان کتاب.